

استقلال اقتصادی، ریل نفت و سیاست رژیم ولایت فقیه

(با داده‌های درج شده تبلیغات حکومت بر سر مسئله فروش نفت)

صفحه ۸



شماره ۱۵۰ " حقیقت " ۳ دی ۱۳۶۰

طبقه کارگر، بحران اقتصادی و مبارزه سیاسی بر علیه حکومت ولایت فقیه (در حاشیه رشد مجدد مبارزات کارگری علیه حکومت)

رژیم سلطنتی بطوری درخنده،
اول بهمه ۱۳۴۰ برای رهاشی
از این بحران، سرکوب و حشمانه
طبقه کارگر ایران را هسراه
با دادن امتیازات اقتصادی
اعمال مینمود، رژیم سلطنتی
ولایت فقیه برای رهاشی از
بحران، سرکوب طبقه کارگر را
با با جگری و فشار اقتصادی
بر این طبقه هنرا کرده است.
سیاست با جگری و فشار
اقتصادی بر طبقه کارگر که از
پا شیزه سال شدت اعمال
گردیده، تا بحال به سه شکل
بنفیه در صفحه ۲

به طبقه کارگر و "حل" کمبشود
پول، سیاست با جگری و فشار
اقتصادی بر طبقه کارگر را در
پیش گرفته است. سیاست
با جگری و فشار اقتصادی بر
طبقه کارگر، در ادامه و تکمیل
سیاست سرکوب همه جا بنفیه
مقاومت و مبارزه، این طبقه،
در دستور کار رهبت ها کمبسه
فدکارگر کنونی قرار گرفته
است. انتخاب وزیر جدید کسار
و اعلام موضع او از همان صحابه
اولش مبنی بر اینکه "من به
کارگران باج نمیدهم"، نمود
نهای برای مدعا است. اگر

بردوش طبقات انقلابی و
مترقی جا همه در شرایط کنونی
از طبقه کارگر تا بسوروزوی
ملی گذارده بنده و این طبقات
مفارج سنگین آنها متحمل
گردند. وهما تصور که زندگی
و نجر به چند ماه گذشته نشان
میدهد، بیشترین سنگینی بر
دوش طبقه کارگر ایران فرسار
گرفته است.
فوری ترین مسئله بحران
اقتصادی مقابل پای حکومت
مسئله کمبود پول، سرمایه و
اعتبارات ارزی است. رژیم
ولایت فقیه در انتقال بحران

رژیم ولایت فقیه خصیصی
در تلاش خویش برای تثبیت
حکومت مبنیه، مشروع و گرو
غیا نت بنفیه، خود با بحرانهای
عمیق و رشد بنفیه، سیاسی و
اقتصادی، بویژه از آغاز بنفیه
امسال، روبرو گشته است.
بحران اقتصادی حساری در
حاشیه یکی از مسائل اساسی
مقابل پای حکومت و از جوانع
وسد های اساسی برای تثبیت
ولایت فقیه در جا همه، ماست.
این بحران، بنا بر ماهیت
انگلی و بسوروزوا، مشوالسی
حکومت کنونی، می با بنفیه

کودتای دولهستان

چگونه سوسیالیستها دروغین به
جنگ نهفت کارگران میسروند

بالاخره حکومت لهستان تحمل جنبش کارگری این کشور را
نتوانست و صبح روز بیست و دوم آذر نیروهای انتظامی و نظامی
به فرمان با روزلسکی و کودتاگرای که در "شورای نظامی
و ستگاری ملی" متجمع شده بودند و با پشتیبانی آشکار مقامات
کوری و ژنرال کولیک فرمانده نیروهای نظامی بهیسان
سوسیال امپریالیستی و رفوزراپت فوق العاده حکومت نظامی
را در کشور اعلام نمودند.
همزمان با این بنامه که توسط با روزلسکی از رادیو و
تلویزیون فرات گرفته شد بنفیه در صفحه ۵

ولایت فقیه

ناچار از وابستگی است

ایمان بر سر کارگانها با لایحه نتیجه محتوم خود را در لایحه استخدام
مستشاران خارجی نشان کرده
روز ۲۲ آذر ماه امسال
مجلس شورای اسلامی لایحه
تنگینی را با اکثریت قاطع
آرا به تصویب رسانید که روح
و حقوق الدوله را قریب ششاد
کرد. آقای بهزاد نبوی بنفیل
زمان و پیشتر از زمان آمریکا
در مسئله کارگانها با طسوح
این لایحه در مجلس راه و امراه
پسویتن دولت به هر گسسه دول
وابسته هموار کرد.
لایحه فوق که بنفیه
استخدام افراد برای ه حاج از
بنامه "الجزایر" غاصبده
میشود، شامل یک ماده واحده
با دو بنفیه میباشد. ماده واحده
به دولت اجازه میدهد تا بنفیه
بنفیه در صفحه ۳

پنجمه از صفحه اول

طبقه کارگری و ۰۰۰۰۰۰۰۰

برورسوده است. بیکم آنکه بخشی از حقوق کارگران که بصورت حتمی پرداخت میشد، بتدریج و با سرعت در حال حذف شدن میباشد. در این زمینه میتوان به بخشنامه اخیر دولت استناد نمود. بخش نامه دولت واسطه گری و دلال منش کمپنی تحت عنوان مبارزه با واسطه گری و دلالی! در میان طبقه کارگری و اتحادیه ها همگوشی و برقراری عدالت میان کارگران پرداخت خسارت حق التعمیر کارگران را ممنوع نموده است. بدین ترتیب بخشی از حقوق کارگران که بصورت حتمی پرداخت میشد، با اعمال معادلات بخشنامه قطع متگردید. بدون آنکه دلت کم معادل آن تر حقوق بولی کارگران اما هم گردد. بیمنونان مثال سهمیه کارگران کارخانه سبک است. ایزان یا سیونال، که هر دو مال یک پیکان بود، را قطع کردند. و سایر کارخانه کفش ملی ۱۵ کیلو سهمیه ماهانه، برنج و همچنین سهمیه مرغ را قطع کرده و به بهانه کمبود گوشت آنها را تعطیل کردند. دوم آنکه حکومت به اخادی مسقیم پول و بستی عوارض برای طبقه اقدام نموده است. بدین ترتیب که دولت برای رفع مسقیم کمبود پولی خود به عنا و بستی مختلف اقدام به اخادی از طبقه کارگری نموده است. این اخادی ها بطوریکه گفتم ازها شش سال است بدین تری یافتند است. بعنوان مثال میباید از جمع آوری پول به آنها بکند که به تبلیغات ابلاغی در

خارج از کشور در کارخانه ها با فکار و با جمع آوری پول تحت عنوان کمک به جنگرگان و امثالهم در کارخانه ها مختلف از جمله کارگاه شهرک آنها را تا نام برد. و با به بستی عوارض بصران ۱۳۰۰۰ تومان بر اینندگان رعیت کشش کامیون دار میهن ما، که قبلا ملزم به پرداخت هیچ گونه عوارض و یاج دهی نبودند. میتوان اشاره نمود. سوم آنکه دولت انتقال بحران بر دوش کارگران را بصورت تعطیل کارخانه ها و بیسکار نمودن کارگران، بدون پرداخت ما به التقا و بی سبب آنان، عملی نمائید. بدین ترتیب که دولت برای تعطیل نمودن کارخانه ها اعلام نموده است که کارخانه ها میبایستی زده بندی شده و بر اساس این زده بندی و ارز - با بی از وضعیت اقتصادی کارخانه ها و بوددهی آنها، اقدام به تعطیل کارخانه ها نمود. بنگ نمونه از این سیاست زده بندی نمودن کارخانه ها به این ترتیب است که کارخانه نجات به سه گروه ضروری غیروظیفی (اما نند و قابل مورد نیاز تولید) و رفاهی ضروری (اما نند و قابل غیر ضروری (اما نند و قابل تقسیم شده و بستی هر گروه در درون خود به بخش با لیس، بهما و قابل علاج و بهما و غیر قابل علاج زده بندی گسرد. آنوقت با توجه به موفقیت اقتصاد کارخانه ها و کمبود اعتبارات در زمینیه وارد کردن مواد اولیه و امثالهم اقدام به تعطیل گسردن کارخانه ها نمود. مثلا در حال حاضر از مجموع ۱۳۵ کارخانه با رمان گسترش صایع، تنها ۲۵ کارخانه فعال است و طبقه وضعیت مشخص و معینی نداشته و بسیاری در آستانه تعطیل شدن قرار دارند. از جمله کارخانه های که در زمینیه

پهوشش به سبیل کارخانه ها تعطیل شده هستند. عبا رتند از جنرال الکتریک، هوجست و فلور. کارخانه های که نموده و بستی ارکارگران را تحت پوشش خود قرار داده اند، و با بخش آرایش کارخانه ها تولیدارو و مینو تعطیل گردیده است که بعنوان مثال تعطیل شدن یک بخش ارکارخانه تولیدارو و منجر به اخسراج و بیکاری ۳۰ کارگر شده است. اینها همه نمونه های کوچکی از آنچه در آینده در انتظار طبقه کارگر میباشد. بوده و بیسکاری را در ابعاد بسیار وسیعی دانستن خواهد زد. مسئله بی سبب است. موقعیت کارگران، بنگ نتیجه مهم عملی از سیاست ضد کارگری و انگلی هیئت حاکمه کمپنی است. کارگران در موقعیتی بی سبب قرار میگیرند تا رژیم ولایت فقیه با ثبات گردد. یعنی با ثبات نمودن وضعیت سوزو - فنو دال ها بختیج بی سبب است. موقعیت کارگران و بیس بیسکاری نمودن آنها، و البته زمی تصور باطل گسره حکومتی که با زور سرپسزه و باج گیری و بیسکاری نمودن افزایش کارگران بتوانند حکومت خود را تثبیت کند. در نتیجه طبقه کارگر ایران علاوه بر آنکه با سرکوب مبارزات خویش و لغو هرگونه حقوق دموکراتیک خود، و بروت با تحمل با رنگین بحران اقتصادی کنونی بصورت زده نام التزامت بیسکاری، کاهش امتیازات اقتصادی، باج دهی زده بیس افزایش آنها در شرایط گراتی قیمت ها و تورم اقتصادی و بروت. کارگران بتدریج در بافته و نخره، بیسار زده طبقاتی به آنان می آموزد که وضعیت رژیم ولایت فقیه تحت عنوان استمرار حکومت استبداد استبداد و حکومت جدا بستر آنان ضمیمه ای جز از کسب دادن از ادبها و حقوق سیاسی و

دموکراتیک خویش و با بمانی و بدتر شدن دام الترابیه موقعیت اقتصادی به بسیار نخواهد آورد. هما بطوریکه در ۶ ماهه اخیر به روشنی و بستی صراحت نشان داده است. ولی طبقه کارگران ایران در مقابل حکومت جبار و مشروعیت گزینی ها مکتوب نبوده و هما بطوریکه در مقابل با کودتای حتمی بر علیه مردم و حقوق دموکراتیک آنان، از فعالترین اقشار و طبقات مردم در مبارزات خود است. اما اعمال بود، این بار نیز پیش از هر ضرورت طبقه ای در مقابل قشارها و تحمیلات اقتصادی رژیمها خاسته است. بعد از یک دوره رکود چند ماهه بعد از زخمها اما سال در مبارزات کارگری، در یک ماهه و اندکی اخیر ما شاهد گسترش و رشد مجدد مبارزات کارگری، بویژه در سرخوردن و مقابل با سیاست های ضد کارگری حکومت در تحمیل بحران اقتصادی به آنان میباشد. نمونه های از مبارزات اخیر کارگری در یک ماهه و اندکی اخیر عبارتند از: ۱ - اعتراض و مبارزه وسیع چند هزار نفره کارگران ایران تا سیونال بر علیه سیاست دولت مبنی بر قطع حواله بیگان که در هفته دوم آذر ماه صورت پذیرفت. این مبارزه به مبارزات کارخانه نجرابت کرده و از جمله منجر به اعتراض کارگران کارخانه خودروسازان و کارگران کارخانه ات ایران ساپا (که تولیدکننده جیب ورنس هستند) و احتیاج آنان شد. ۲ - مقاومت و مبارزه کارگران کارخانه با مکار بر طبقه جمع آوری و اخادی پول از جانب دولت برای کمک به تبلیغات اسلامی در خارج و همچنین بر طبقه سیاست دولت مبنی بر تغییر کیفیت کار کارخانه که سرومدای زیسادی بلند نموده و بصورت احتیاج

همه از صفحه اول
 ولایت فقه ما چاره.....

مخبره که بلبل مستعد دیگر هم
 به خودمان حریف بد هستند
 تا ما جنبه اقتصادی و مالی
 این دهوا... چه مردمی...
 مبلغ اقتصادی و مالی دعوا
 معارج دادگاه و وکالت...
 عهده طرف محکوم خواهد بود
 و در صورت پیروزی طرف مقابل
 می بایست تمامی مخسار ج
 سنگین اقامه دعوی را متحمل
 گردد.

البته پس از سخنان
 آقای نبوی، برخی از نمایان
 یندگان بصورت مخالف پشت
 میگردونون فرار گرفتند و
 مخالفان شی کردند که سیدر
 بدتر از گناه بود. مثلا یکی
 میگفت که چرا اینقدر دولتیست
 تحلیل کرده و سردبیک به یک
 ماه مانده به اقامه دعوا این
 لایحه را تنظیم نموده، و اینکه
 میبایست لایحه را زودتر تهیه
 مجلس می آورده است. و
 دیگری تحت این عنوان گسه
 دعوی آمریکا علیه ایران
 شامل مصوبه ۴ مساعدهای
 گذاشتی مجلس نمیشود، صی -
 خواست جلوی این لایحه را
 بگیرد، اما قبل از اینکه این
 لایحه نتیجه گریزنا پذیر
 سیاست الجزایر، و سیاست
 الجزایر بشود، محتسوم
 با زنگاری هیئت ها که خائن
 ایران با آمریکا بر سر
 گروهگانهی جا سوس بود.

بهر حال گوشتی آفتاب
 نیوی کلمه رمزا گفتند، و
 مخالفین بجای خود نشنیدند و
 دم برنیا وردند و لایحه
 اکثریت آراء مجلس نشینان
 تصویب گردید.
 همین آقایان خیانت...
 کارگه در زمان امضاء سیاست
 الجزایر هوا می کشیدند پیروز
 شدیم امروزه یکبار به بدشان
 اعتقاد که میباید شکستی در پیش
 ها رسد که ما به آبروریزی شود.
 معلوم نیست که به پیوسته روزی
 گذاشتی که این همه فریادش را
 میکشیدند به کجا رفت گسه
 دقیه در صفحه ۴

کودتا در لهستان

اردو تا سوسیال را مبریا لیس برای ارفاق سمیت کارگسری
 لهستان در این مدت چندما نورنظامی در اطراف لهستان
 شرکت موای پیمان و روشی را کردند. فرض این بود با طرح
 مسئله اشغال نظامی، کارگران را به تسلیم یا دستکم به باز
 و ادارا راند. گرایشات سازشکارانه در رهبری اتحادیه همبستگی
 و همچنین در کلمبسی کا تولک که در سمت از نفوذ قابل توجهی
 برخوردار است نقطه اتکا طبقه کارکن بود.

درست در چنین اوضاع و احوالی نخستین کناره اتحادیه
 همبستگی در سطح کشوری در گردانک برگزار شده و تنه
 خواست های کارگران را به سطح بالایی ارتقا داد بلکه با
 طرح خواست تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری در سراسر
 کشورهای بلوک شرق مبارزه خود را با اتحادیه ای ملی بخشید.
 برای اربابان مسکوتانیم شده که کاتیا سیرنیتوانند سعی را
 که را و انتظار میرفت با زی کند و بنا بر این در عکس العمل
 نسبت به نتایج گنگره، با روزلسکی جا یگزین کاتیا شد
 (ازهای بجای شریف اما می - بهرک کارمل بجای حفیظ الله
 امین) با روزلسکی بحثها به یک فرمانده نظامی گسه در
 رهبری حزب و کشور قرار گرفته بود بلافاصله دست بکار شد و با
 تهدید و ارتاب و بخصوص با طرح خطر حمله قوای پیمان و روشی
 کوشید تا همبستگی را به سازش بکشانند. چندی بعد جمله ای
 شرکت رهبر اتحادیه همبستگی لئح والسا وریش کلمبسی
 کا تولک و با روزلسکی برگزار شد تا زمین را برای سازش
 فراهم نماید. اما بحران و فتنه را رهبران به این سازش دریا لا
 وقتی نتها درگیری در تمام اتحادیه ها گسترده شد. در اواسط
 با شریکانگه خبرگزاری های لهستان گزارش میکنند در یک
 جلسه اتحادیه همبستگی نمایندگان کارگران تما یلات سیاسی
 خود را که در جریان مبارزه شکل گرفته بود آشکارا به پیمان
 می نمودند. دیگر برای هیچکس نمی باقی مانده بود که درگیری
 قطعی با حکومت نزدیک است. تشکیل کمیته های مسلح کارگری
 مطرح شد. یک کارگرا علام کرده نبرد سوسی سرنگونی حکومت به
 پیش می رود. رهبران "همبستگی" آماده میشدند تا سرنگونی
 حکومت را به امضاء خواست بعدی خود مطرح کنند که با عکس العمل
 کودتا گران با روزلسکی مواجه شدند. و چنین شد که کودتای
 کنوسی در لهستان شکل گرفت.

آنچه در لهستان اتفاق افتاد، بسیار آشکارا این مسئله
 است که حکومت های با صلاح کارگری کشورهای اردوی شوروی
 نه تنها کارگری نیستند بلکه مدکارگری اند! نه تنها
 فدکارگری اند بلکه آماده اند تا به نبرد مسلحانه با طبقه کارگر
 برخیزند. بهران لهستان خیزش های کارگری در این کشور و
 عکس العمل های حکومت لهستان همه شواهدی است که
 ما هیت سوسیالیسم کاذب منکوا قمارش را بر ملا میبازد. اما
 آنچه در لهستان میگردد در شرایط کنونی جهان و اوضاع
 بین المللی و همچنین در ارتباط با دورنمای مبارزه ای گسه
 در این کشور در گرفته است حائز اهمیت میباشد. به شش
 شمارهای آینده ما به بررسی این جنبه ها از درسیان
 بپردازیم.



پشمه از صفحه اول

کودنا در لهستان ۵۵۵۵۵

اهداف آنها بخواره، سو سال امیرنا لسم روس خدمت منما بسند،
 ار سال ۱۹۵۲ که در کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی
 سیکمنا ی فروغیج حرکت در راه سرما به داری را در سطح کورهای
 سو سال منشی آلمان و یارش با سرما به داری ایحما ری ادر جمعه
 جهاسی برای کمونیستها به جویر کرد، آنها که بر راه فروغیجست و
 عا نشیمان بنیوسس دیویک نمونه، آن همین حزب و دولت لهستان
 بود، در سرائیسی علمیدند که آنچه ما در لهستان کمونیستی منما هسته
 میکنیم منما یکی از نتایج آن است.

با ارتداد از ما رکنیسم انقلابی که در اصول اقتصادی و
 بر ما مهری میبنا را بر سر آوردن هر چه بیشتر بر ما مبدیهایی
 اقتصادی و فرهنگی حاصه میگدارد حصرات مرندین رویز سویت
 اصل سودآوری سرما به را مبنای بر ما مهریستی اعتمادی سررار
 دادند، با فرار گرفتن این اصل در مرکز سویت بر ما مهریستی
 تنها عقب افتادگی های اقتصادی کشورها شای ما سندا لهستان
 شدید شد بلکه کار با شای رسید که در سالهای اخیر لهستان به منما
 بهار با ما منکو بلکه حتی به دول غربی میلیونها دلار بدهکار
 شده است و مردم این کشور در غرقاب یک بحران شدید اقتصادی
 دست و پا میزنند.

در تابستان ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۵۹ شمسی) در شرایطی کسسه
 افتخا دبهران زده لهستان دیگر تحمل فنا رهای جدید را نداشت
 دولت ادوا زدگیرک که خود در نتیجه اعتمادات سالهای دهسه
 هفتاد برای فریب کارگران بر سر کار آمده بود، محبور شد با
 با لایردن قیمت کالاهای ضروری زندگی چهار رهای برای انقلابی
 که گریبا نگیرشان شده بود بگوید، عکس العمل کارگران لهستان به
 بالا رفتن قیمت ها یک اعتراض وسیع کارگری بود که تنها در شهر
 گدانسک ۱۶۰۰۰ کارگر را در بر گرفت، مبارزه کارگران بخاطر سر
 وجود دیکتا توری خشن حاکم لهستان بر عهده سیاسی شد و کارگران
 اعتراضی خواهان تشکیل اتحادیه های آزاد (مستقل از دولت)
 کارگری شدند، در ادامه همین مبارزه و در اثر قدرتی که از اتحاد
 کارگران بر میخاست، دولت آنوقت جمهوری عقب نشینی شد و
 نخست وزیر کار برکنار شد و حق تشکیل اتحادیه مستقل کارگری
 بر رسمیت شناخته شد، "اتحادیه همبستگی" پس از آن پس در مسدیت
 چند ماه میلیونها نفر کارگر را در صفوف خود متحد ساخت و بسسه
 سازمان نموده ای کارگران لهستان تبدیل شد.

رشد نهت کارگری به ایجاد حرکت در میان کسسا و رران و
 همچنین کارمندان دولت و روشنفکران اینجا میدوسا زمان های
 نموده ای دیگر در محور "همبستگی" شکل گرفتند، اتحادیه
 همبستگی هر روز نیروهای بیشتری از کارگران لهستان را متحد
 میکرد، بدستور مسکو برای جلوگیری از رشد نهت، کنبرک از منفا
 مات خود خلع شد و بجای او استانیسلاو گائپا مسئولیت رهبری
 مبارزه بر علیه خلق و نهت کارگری لهستان را بر عهده گرفت
 (آمریکای رایجی هویدا - حفیظ البله امین بجای ترکی - کاشوکی
 بجای دیپ درویشا م!) چندی بعد در اجلاس هیما و روشسو در
 مسکو آریانان کرملین دستور سرکوب جنبش کارگری لهستان را
 صادر کردند و اعلام داشتند که در غیر اضورت فوای شوروی و هم
 بیجا تاض لهستان را اشغال خواهند کرد، جنبش کارگری لهستان
 ستون های اردوگاه سو سیال امیرنا لسم را برانداخته بود، در سال
 امسال کارگران و کتا و رران لهستان به یک اعتراض کوبانهد
 دست زدند و خواهان بر رسمیت شناخته شدن اتحادیه کشاورزان و
 آزادی بیشتر شدند، اعتراضات پراکنده کارگری، در شهرهای
 مختلف در تابستان ادامه یافت.

بنا مات کودنا بر ما عمل به در راه عادی به منما راصا در
 نموده بودند که در آخر حطه عده ای از رهبران اتحادیه کارگری
 دستگیر شدند، بلافاصله ارساط لهستان با جهان مطم سند، در
 فتا با آنها بنگز دو سوع عا ر کردند، منشا از ۵۵۵۵۵ نفر دستگیر سو
 شدند، سازمانهای کارگری و همچنین شکلات های کسا روزان
 دانشگاه ها، اتحادیه های صنعی روزانه نگاران و... همه مورد
 عمل قرار گرفتند و عاقبت بهارش ویلیس لهستان دستور سر
 تلنگ سوی معترضین داده شد.

از طرف دیگر اعتمادات عمومی کارگران لهستان در برابر
 کودنای حکام و روگو سرگ دیگری ارکبات تاریخ میسارزات
 طبقه کارگر را فرس لهستان شد، اعتمادات عمومی کارگران
 با اعتمادات کتا و رران و روشنفکران همراه شد، بسسه سازی
 کارخانه ها منجه، حص کارگران شدند، کارخانه کنشی سازی
 لیس در سندرگدا سگ توسط کارگران اشغال شد، در کاسویک در
 سویت عرسی لهستان در روز ۲۲ آورما سا عیها میان کارگران و
 نیروهای امنی رد و جود در میان داشت، همبستین، کارخانه
 سزا کوزناری اوسور و منطقه دیگری در جنوب شرقی بر فورد
 های مسلحانه گزارش شده است و هر روز خبرهای جدیدی از کسرتن
 عیارات مرسد.

ما حوای لهستان چیرنا زهای نیست، اعلام حکومت نظامی
 توسط "توزای نظامی رسگاری ملی" با آژور کودنا منسای
 مضمونی است که در جهات رگوشده، جهان در این سالها انفساسق
 امیاده است، دعوت در کلمات سیاسی، با روز لکنی انسان را منیاد
 سچنان بیمنه جی اندارد که او هم از رهبر گریس کشوری در لسه
 برنگاه من میگفت، و میگوید با این سریب حکومت نظامی
 خود را سوخته کند، ما در همین اشکال ما نمونه کودنای ترکیه را
 دارم که منما بحالت ور سگاری کشور حکومت میان آمریکا بر
 سراسر کشور حاکمید، و امعه کودنای نظامی در لهستان بسسگ
 نمونه دیگر کودنای است که ما سدا کودنای اخیر منسی و سسرت
 جمهوری اسلامی با عوان جلوگیری از کودتا با سبب
 کودنای به میدان آمده است و از این نظر هم خبر سارهای نیست چرا
 که ساریج نارها و نارها به سگونه سوظنه های عوا مغربیا سسه
 کودنای جهان شده است.

بعد در تاریخ لهستان جدید است این است که ایسسی
 کودنای صد کارگری و صد دیویکراسک در کشوری صورت میگیرد که
 حکام آن ادعای بیامندگی طبقه کارگری و سو سال لسم را رسد و
 در اسحا سدا این سثوال مطرح میشود که ایس جه سو سال لسمی
 ایس که ما طبقه کارگر و در رو برار گرفته و برای سرکوب کسا ر
 گران بسرسزه و کلویه موبل شده است؟

جواب نه ایس سثوال برای خوانندگان ما روشن است، ما
 سگوشم آنچه در لهستان حاکم ایس سو سال لسم نیست بلکه
 سرما به داری است و آنها که در اس کشور طبقه کارگر را سبک
 صد هفت کارگران و سجا مندگان کمونیست آنها نشاندند بلکه
 گروهی سرما به داران دوگتی هستند که از ارزش واقعی حاصل از
 دمریح مردم لهستان خود را نا منی میکنند و برای سبک سرت

اخبار

خود را در صحنه افتخار و کشتار بشجاعت گذاشتند، و نجس باغ
هرایان شد و رو به پاشیدگی رفت، فردای نزدیک غمگین مردم
سرب مذاب میشود و ارتجاع را از خاک وطن میروید.

اخراج کارکنان مخابرات تهران

طی چهار پنج ماهه گذشته نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارکنان
مخابرات تهران را حکم انفعال از خدمت داده اند. احکام
تیمبره ۲۰ بند ۲ قانون شاه که از اختیارات مدیریت مل است
ما در گذشته و ملل صدور آنها بعد از گذشتن مانی مال که بعد از تکمیل
خواهد شد (!) ارجاع گردیده است. در این رابطه چندین بسیار
کارکنان مشمول انفعال از خدمت و همچنین شاغلین (بیش
کاربرترین المللی و ...) شروع به تخمین و تهاشده به انحصار
کرده اند که با هم میروند و او را با شرفی و غیر رسمی رژیم
سرکوب گردیده است.

علل واقعی صفرو این احکام یکی راپرت های جا بوسمان
راجع به حرکت های مشکوک در قسمت های فنی و حواس و تفکیک
هسته های مخابرات و دوم عدم اعتماد داشتن با به در این ارگان
حساس و جایگزینی افراد مورد اطمینان بهای آنها و سرانجام
تورم کارمندان و فلاح دولت از ریاضی گردیده است. از صدها پیش
افراد حزب اللهی را به بهانه کار "فی سبیل الله" در بخش های
مختلف گمارده بودند تا در جای کارآموزی کرده و جای مدرسین
خود را اینبار "فی حزب جمهوری و شرکاء" اشغال نمایند. که
التمه این طرح موضح گردیده و به آنها چیزی یاد داده نشده بود.
در قانون شاه به کارمندان منتقل قسمتی از حقوقشان را
میدادند ولی با چگونگی احکام به معیشت این کارکنان و خانواده
دهها پیشان هم رخنه کرده و دستور به قطع کامل حقوق آنها تا تمسکین
تکلیف داده اند. در ضمن مدیریت مل مذکور از نزدیکان قسطنطین
وزیر بدرک و اصل شده. مخابرات در سابقان حزب جمهوری بوده
است که با کارنامه صاف و فدا رگشی و او را شگری به این مقام
شایع ارتقا یافته است.

خاتمه مسابقات فوتبال

ودفع یک رقیب برای نماز جمعه تهران

هفته گذشته مسابقات فوتبال با نگاه های تهران پایان
پذیرفت و هیئت خاکه و برگزار کننده گان نماز جمعه تهران نفسی
سراحت کشیدند. در آخرین هفته این مسابقات در روز جمعه در
مسابقه تیم پرسپولیس بیش از ۸۰ هزار تن به هوا خواهی از تیم
پرسپولیس در استادیوم آزادی جمع گردیدند. در حالیکه در همین
روز در نماز جمعه تهران حدود ۳۰ هزار تن شرکت کرده بودند!
مسابقه پرسپولیس به علت محبوبیت این تیم در میان مردم در چند
ماهه اخیر بصورت رقیب برای نماز جمعه درآمد بوده بطوری
که مسئولین تربیت بدنی بارها تهدید به تعطیل این مسابقات
نموده و حتی بگنای برای باصلاح جمع آوری مردم مسابقه تیم
مذکور را تعطیل کردند (روز را صیفاً فی نفسه). مسابقه تیم
پرسپولیس در چند ماهه گذشته در همین حال صحنه اعتراض مردم
بر علیه سیاست های ارتجاعی حکومت در ورزش و تربیت بدنی شده
و بارها به نظرات بر علیه مسئولین تربیت بدنی کشیده شده بود.

"مرگ بر خمینی"

روز یکشنبه ۲۶ آبان خانواده زندانیان برای کسب
تکلیف و ملاقات به مرکز زندان سیا در خیابان ملک آباد تجمع
میکنند تا گمان لیبشی از افرادی که دیوار چسبانده میشوند
جمیعت برای خواندن هوم میبرد. بلکه با می ۱۳ انقلابی شهید
دیگر گواهی گردید. صدای ناله و غوغا با لاسیکوید. صدای
میهنت و شوکه گشته اند. چشمان همگان را اشک و خون فرا گرفته.
خشم و کین در دلها، نگاه ها و فضای آنجا موج میزند. میخواهند
بشکنند این اوضاع را... ناگهان بانگ مرگ بر خمینی از دل
جمیعت بیرون میزند! تکرار میشود، تکرار میشود، و شصت و شصت
جمیعت میگردد: مرگ بر خمینی! جمیعت بحرکت میاید
با نظرف خفا با نخل عبور مانده به نزدیک شده. جاده بسترس
میخورد. با صدایان گودتا و جنت از کنار در بهای فرا گرفته. همه
تا لای تا روزها میروند. شور و هوایی شلیک میشود... جمیعت فریاد
میزند "مرگ بر خمینی"، مردم چنان مشتین و بیاری میطلبند...
از نماز جمعه میگذرد، درون یک انبوس بصورت یک آهوستند
آندوزنگ می اندازند که جاری میگردند به بهای پیش! چند پسین
وایت حزب اللهی تدارک شده به عرصه وارد میکنند. شعار "مرگ
بر مسافین" میدهند. چندین بار به جمیعت یورش میبرند. در
در مقابل هم شمار میدهند. با تداران تحت صاف به حزب الله
بواشکی نه عرصه وارد میشوند. تعدادی از تداران را با طلسم
به درون سیا میبرند. جمیعت در مقابل هوم او را می چهره
میکنند و رو به پراکنده شدن میروند. تداران را از حزب طغیانی
خارج میکنند.

مردم شهر در روز یکشنبه ۲۶ آبان نماز جمعی برگزار شده حضور

استقلال اقتصادی

بفیه از صفحه ۷

آنقدر سخت بوده که با طبیعت مکتبی آقای فری، مثل قطره آبی
در صاعقه ری به زان بجای رفته و به آسمان رفته بود و انگار
که همین آقای فری همین رژیم جمهوری اسلامی بودند که تناسبا
دیروز قرار بود از پشت بعنوان "هر بهای سیاسی" علیه شیطان
بزرگ و شیطانکی استغاده گشته و کمرشان را بشکنند!
این تصویری بود از زار چها فی نیت که پس از یک دوران
افزایش شدید و غیر متعین قیمت ها، بخصوص پس از انقراض
ایران، چگونه کشور های اروپا تحت فشار عربستان و بسیار زار
تلفتی مجبور به تحویل و تضییع قیمت نفت خود میشوند. طبیعت
این مسئله چه بود؟

ایا ما دارد



نخبه از صفحه ۲۸

استقلال اقتصادی ۵۵۵۵

البنه از طرف آقاها یا اگر این رفع مشکلات را بطریق کسبه متضمن وابستگی است. با عدم تمسک در آن زمان خط اساسی خاکمان ولایت فقهی روشن شد: ما در آن هر چه بیشتر نفت وارد کردن کالاها که از یکسو درآمد دولت را با لامیسرد و از سوی دیگر کسب و کالای را از میان میبرد، در عین اینکه پول سرشاری به حقیقتی از دلان سر از سر میماند. هم اکنون نیز این سیاست سستی تقویت میشود. اخیر آقای خامنه‌ای در مطبوعات بعد از استغنا بستن به معارضات جمهوری برای روشن کردن سیاست‌ها ایشان مجدداً این بحث چند ما پیش را به میان کشیدند و منافع نفت با مسدود شدن نفت را یک حبله امیربالیستی! در جهت فشار آوردن بر دولت "اسلامی" نامیدند که توسط بهره‌اشان بنی صدر، بهیسان تده و بدست طریق تلویحاً سیاست افزایش فروش نفت را تا شکست کرده. عملاً! که در منطق آقاها هم چیرمگوس میشود: دل سوختن برای رشد تولید و عدم تکیه به فروش نفت (هر چند این مسئله زبیدی و عمریستی صورت گرفته باشد) و وابستگی بیسوسه امیربالیسم تولید میدهد. اما فروش نفت و واردات بیسوسه مبارزه با امیربالیسم! اخیراً نیز روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب کهدر پاسخ سؤال یک خواننده سیزدهمین شماره و با خوبی نشان میدهد: "ارجان دیگر ما در شرایط امروز ۵۰۰۰ میلیارد نفت بیشتر به فروش می‌رسانیم" (جمهوری اسلامی شماره ۳۰ آبان ۶۰) حبله دیگر سیاست آقاها یا نمایان آنان به ورود کالاها و صنایع موزا در آزادی فروش نفت و در نتیجه تداوم و شجاعت بندهای وابستگی ایران به بر قدرتها میباشد. بهترین نشان این سیاست را می‌توان در بررسی یافت که اخیراً دولت است ایران برای افزایش قیمت نفت در سیمیا را شری و سوسوسه او یک دروین ارائه نموده است. در قیمت دوم این تزامده است: "... افزایش منطقی قیمت نفت هم به نفع ممالک در حال توسعه و جهان سوم است و هم به نفع کشورهای صنعتی، سوجه این امر بر این پایه استوار است که به با افزایش قدرت خرید ممالک عضو او یک که در اثر افزایش قیمت نفت او یک بوجود می‌آید کشورهای صنعتی نیز به با زار جدیدی برای مصرف کالاهای خود و در نتیجه ایجاد فرصتهای جدید اشتغال در داخل کشورشان که به رونق اقتصادی می‌انجامد مدد است خواهی یافت. (جمهوری اسلامی ۱۱ آذر ماه ۶۰). آقای غرضی وزیر نفت مدتی پیش بیروا بیسی سیاست در معامه‌های در ژنو با خبرگزاری پاریس در پاسخ به این سؤال که آیا با قیمت گذاری اخیر او یک ایران کماکان مطمئن خواهد داشت گفت: "مشتری تنها با طرف قیمت نمی‌آید. با اگر فروشنده خوبی با قیمت موقعیت خوبی داریم که بتوانیم هر چه سوسه رونق با زار تولید کشورهای صنعتی شویم. صنایع متوسط و بیک مرتب علاقمندند تولیدات خود را بدون واسطه فستوسر راه‌انداز دلار بفروشند..." (اطلاعات ۲۹ مرداد ۶۰). در اینجا آقای غرضی یک نوع ممانعت با سایر در مقابل نفت را پیشنهاد میکند (در زمینه مورد بحث قیمت خواهیم کرد) ولی نکته اساسی اینست که ایشان چنینی به کشورهای غربی و شرقی می‌رساند و راه ورود

صنایع موزا به کشورهایشان می‌دهند. اخیراً سراسر آقای با یکی سرچشمه ما زمان برنا می‌بودند این سیاست را در معامه‌های نامطلوبه اطلاعات فلسطینی موردنا کید ترا داده‌اند. این سیاست گفتند: "با مداخله فروش نفت برای خرید صنایع سرمایه‌های هستیم". (۶ آبان ۶۰) آنچه از لای این گفته‌ها روشن میشود سیاست "مکتبی‌ها" برای افزایش مدورسنت و از این نظر بیسی با مداخله رده و با به ریزی اقتصاد خود کفا می‌باشد که چنانکه در ما لا کنیم، این سیاست روجه ترکستان دارد و فقط مداخله عسدهای دلال و انگل را در جا معنا میں میکند. بخصوص که سیاست آقاها در ما بر جنبه‌ها سحر حفظ با خباصت می‌باشد که گفته می‌باشد. تا اینجاست خط کلی حرکت حکومت جمهوری اسلامی در این زمینه (صرف نظر از دسته بندیها) که ممکن است بر سرچگونگی پیدا شدن این مسئله وجود داشته باشد آشکار گردید.

قبل از اینکه به پاسخ سؤال ۲ بپردازیم بهتر است ابتدا وضع بازار جهانی نفت را مورد بررسی قرار دهیم: در روز چهارشنبه ۲۶ مرداد ماه سال جاری اجلاس فوق العاده اوپک برای تعیین قیمت نفت و رسیدگی به وجود ما را در نفتی تشکیل شد. اکثر اعضای اوپک به خاطر وجود ما ز ادبترتقا‌های نفت در ما زار جهانی صیوبره کاهش تولید شده و برای کاهش قیمت‌ها تحت فشار سرار گرفته بودند. در آن زمان عربستان اعلام کرد که سه اگر دیگر کشورهای تولیدکننده عضو اوپک با قیمت پایه‌های ۲۲ دلار برای هر بشکه نفت و تثبیت قیمت‌ها تا پایان سال ۸۲ موافقت نمایند تولید نفت ایران خود را که عامل مهمی در ایجاد ما را در نفتی بود، کاهش خواهد داد. عربستان در آن هنگام حدود ۱۰/۵ میلیون بشکه نفت در روز به قیمت ۲۲ دلار به ما زارهای جهان عرضه میکرد و هدفش شکستن قیمت‌های نفت بود که در ما را را از اذیت به ۲۸ دلار رسیده بود. این پیشنهادها مخالفت برخی کشورهای که نفت خود را با ما زارهای نفتی به فروش می‌رسانند و به روش ما توجه به فشار عربستان و وضع ما زار، یعنی اکثر کشورهای عضو اوپک بر روی قیمت پایه‌های ۲۵ دلار برای هر بشکه موافقت کرده، اما عربستان به زیر بار نرفت و همچنان بر سر حرف خود ایستاد و بدین ترتیب آن کنفرانس بدون اشد نتیجه و رسیدن به یک بهای واحد با ما زارهای نفتی در آن زمان غرضی وزیر نفت در معامه‌های گفت: "نظر ما اینست که هر نوع کاهش قیمت حیانت است." (اطلاعات ۲۹ مرداد) و برای تا که بعد قبل از شرکت در اجلاس در پاسخ به این سؤال که آیا ایران نفت خود را کمتر از ۲۶ دلار خواهد فروخت یا خیر؟ ما زار گفت: هرگز! (اطلاعات ۳۱ مرداد).

چند ما بعد در آنجا ماه اجلاس فوق العاده اوپک دیگر ما زار تشکیل شد. در شرایطی که آمریکا در برتری شیای کنوسی خود از نفت، علیه برخی کشورهای تولیدکننده نفت، بخصوص لیبی و ایران، دست به تحریم زده و از این موضوع نه تنها سوسه می‌تواند حربه اقتصادی بلکه ما با سوسه حربه‌های سیاسی بود صیوبره: تعطیل شرکت‌های نفتی آمریکا در لیبی و سوسه کردن بیش از ۱۵۰۰ صنعتی نفتی آمریکا از این کشور به بهانه عدم تضمین امنیت آسان و نیز زنده‌های جدی بهرامون لزوم تسخیر مواجی نفتی جنوب ایران توسط آمریکا برای "حراست از نفت‌ها و زمینها" در این رابطه معنا می‌یابند. اینها همه به سیاست پیشنهادی عربستان من در داده‌اند: "۲۲ دلار برای هر بشکه، تثبیت قیمت‌ها تا آخر ۸۲". عربستان نیز در مقابل تولید خود را با ۸/۵ میلیون بشکه در روز کاهش داد. مثل اینکه سراسر

استقلال اقتصادی ، رول نفت و سیاست رژیم ولایت فقیه

(با دداشتی در حاشیه تبلیغات حکومت سر سر میانه فروش نفت)

تولیدی (بخصوص در شرایط خاصه ما) که منافعی نه تنها از راه فروش نفت و ورود کالا تا من منسوب می‌دهد که طبیعتاً مخالف رشد تولید ملی می‌باشد، مضافاً بر اینکه ورود کالاهای مختلف اعمار مصرفی و سرمایه‌های سرمایه‌داری به وابستگی به ابرقدرتها تسهیل و تسهیل می‌سازد و این وابستگی را محکمتر می‌سازد، در اینجا باید به دو نکته اشاره نمود: ۱- امپریالیست‌ها اعمار کوچک و بزرگشان را با منافعی که با رشد همه جانبه و درجه‌بندی اقتصاد ملی کشور - های سومینجه می‌زکا رنیمت و تمسک به آن در انحصار انتخاب رسانی از آن راداشت. ۲- افشارانگلی و دلالت جامعه که در این رابطه رشد می‌کنند بینا بر منافعی که بصورت مانع و سدی در مقابل رشد تولید ملی درمی‌آیند.

بنابراین، به طور اخصاً و میتوان گفت که عملاً تا بحال در جامعه ما دو پیشش در مقابل هم وجود داشته‌اند: اول پیشش که زدن ساخت عقب افتاده کشور را مترادف با عدم تکا به فروش نفت و کم کردن هر چه بیشتر نقش درآمدناشی از نفت در اقتصاد سدان و سحای آن تا کبدر ابرروی کثرت و رزی و صنعت کوچک می‌گذارد. دوم پیشش که نه تنها با این مسئله مقتصد سیمت بلکه میخواهد بقول خودی با فروش نفت و تکا به درآمدناشی از آن مثلا به عطف اسلامی بزند، که البته بجای آن ره به ترکستان میبرد، و البته واضح و روشن است که پیشش دوم، پیشش طبیعتاً انگلی و دلالت حقیقت جامعه است که اهداف شوم خود را زیر پوششش ظاهر فریب عطف اسلامی مطرح می‌نماید.

با توجه به این مقدمه، وارد بحث اصلی خودمان می‌شویم، در این مقال ما تلاش داریم که دو نکته را روشن نمائیم: ۱- نحوه برخورد حکومت ولایت فقیه به این مسئله چیست؟ آیا جهت گیری آنان نوید یک اقتصاد مستقل و خودکفا را بنا می‌دهد یا برعکس؟ پاسخ این سؤال در فهم ما هیت دار و دهنه، حاکم به ما کفک خواهد نمود. ۲- وضع فروش نفت در حال حاضر چگونه است؟ نقش کمبود ارزی در مصیبت بحرانی که در جامعه ما وجود دارد چیست؟ آیا دولت قادر به افزایش درآمد نفتی خود و از این طریق التیام بخشیدن، ولو موقت، به بحران موجود می‌باشد یا خیر؟ پاسخ به این سؤال از این جهت مهم است که با توجه به وضعیت اقتصادی و رونق آن بطور دقیقتری میتوان و طایف جنبش انقلابی را ترسیم نمود.

ابتدا سؤال اول را مورد بررسی قرار می‌دهیم: چیزی که از فضای سخنان مقامات مسئول صلیکتی برمی آید اینست که سیاست دولت در این مورد، صورتی هر چه بیشتر و تکا به است، می‌باشد (البته این مسئله که آیا قادر به عملی کردن این مسئله می‌باشد یا خیر، چیزی است که در پاسخ به سؤال ۲ به آن خواهیم پرداخت). اگر خاطرتان باشد در هنگام مطرح شدن بودجه سال ۶۵، سیاست دولت رجحانی افزایش صادرات نفت به ۲/۵ میلیون تن که بود که مورد مخالفت شدید جنبش مزدوا فع شد، در آن موقع "مکتبی ها" استدلال می‌کردند که با توجه به وضع اقتصادی و مسئله جنگ با بیاد از این شروت برای رفع این مشکلات استفاده کنیم.

یک با سه واسه و اساسی کشورهای سومینجه، امصارا با امپریالیستی تقسیم‌کارنا براسری است که در جهان امروز وجود دارد، براس تقسیم‌کار، اروپکو، کشوره‌های سومینجه کارشان تولید مواد خام و ادماه، حیات اطرز بسق فروش آن می‌باشد، در حالیکه ابروی دیگر، امصارا با امپریالیستی سیاسی عرصه‌های دیگر تکنولوژی و تولید را در اختیار خود گرفته‌اند، از همین جهت است که نگاه کلی به تقریباً تمام کشورهای سومینجه نشان می‌دهد که اینگونه کشورها اساساً یک محصولی می‌سازند و حیانتان به تولید و فروش یک محصول مسلکی دارد، امصارا با امپریالیستی با جلوگیری از رشد تولید ملی و همچون رالونی بر یک جامعه عقب نگه داشته شده می‌جسیدند و تمامی منابع حیاتی آن برای رشد و توسعه را مسکند و افشارانگلی و غیر تولیدی را در جامعه پرور می‌سازد، می‌دهد، برای همین است که باید گفت، ما روه اساسی امپریالیسم، تلاش برای ارسین بردن این تقسیم‌کارنا براسر، اطرزی رشد تولید ملی و هر چه بیشتر بردن ارنک محصولی بودن ما با امجا دیگر اقتصاد درجه‌بندی و پیچیده و خودکفا می‌باشد، کشور ما ایران، سوادهای رای اینگونه کشورهای یک محصولی می‌سازد، شریان حیات اقتصادی ما تحت است و اما ما با سیستم بخشهای اقتصاد ما اعمار زمین و کشاورزی در پیشتر سیستممان این ماده است که به حیات خود ادامه می‌دهد، در ما سیکه جدید ۷۵ تا ۸۰ مواد اولیه و ماشین آلات مانع موینا از اعمارح تا من می‌شود و کشاورزی ما در زیر فشار روابط عقب مانده و کهنه عای می‌کند و بدینجا طریقاً در عظیمی مواد غذایی از دیگر کشورها وارد می‌گردد، در حقیقت میتوان گفت ارزشناشی از نفت به صورت ما من کمینده، حیات رور موه، ما در آمده است، یک محصولی شدن و ما من یک کشور مسلزم و خود را بیط آمدهای در خود آن کشور می‌باشد، امپریالیسم با حفظ اساس ساخت کهنه، اقتصاد دی و روا - بیط بوسنده و بیادادن به افشارانگلی و غیر تولیدی شرایط لازم برای تک محصولی بودن را حفظ و ایجا دمکنند و از سوی دیگر نیز خود فروش و تکا به عطف ما من تداوم و حفظ وابستگی و عدم رشد تولید ملی می‌باشد، در حقیقت نکته ظریفی که اینجا وجود دارد، اینست که ردن ساخت کهنه، اقتصادی و سربایی بی یک نظام اقتصادی شوش و درجه‌بندی، مترادف و همزمان با عدم تکا به فروش نسبت و دوری هر چه بیشتر ارنک محصولی بودن است، بدین مفهوم که تصمیمات یک نظام نوین اقتصادی خودکفا را با فروش نفت و ارز ناشی از آن با بررسی نمود، برای درک بهتر این مطلب لازم است نکته‌ای روشن شود: در اقتصاد دولت از فروش نفت به صورت ارز فارغی می‌باشد که در داخل کشور نمیتوان آن را انحصاراً به خود، بنا بر این دولت ناچار است دست به واردات کالا بصورتی تبدیل این ارز به پول ایرانی بزند، به این ترتیب که در ارزی پولی که از راه براسی دریافت می‌دارد، ار در اختیار او برای وارد کردن کالا قرار دهد، بنا بر این در اقتصاد دولت از فروش نفت به مقدار رسمی است که می‌بروند بلکه ساری مقدار وارداتی است که دارد، اس مسئله خود بخود به ایجا دفتری انگلی و غیر